

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ناهید پور عیسی
برگردان: م. قربانی
۱۴ جولای ۲۰۲۴

چگونه اطلاعات نادرست درباره چین بر انتخابات ریاست جمهوری ایران تأثیر می‌گذارد



نفوذ چین فراتر از موقعیت آن به عنوان دومین اقتصاد بزرگ در جهان است. اصلاح‌طلبان، نولیبرال‌ها و گروه طرفداران روحانی اغلب کوشیده اند ویژگی‌های متمایز و تأثیرگذار چین را کم‌رنگ جلوه دهند. آن‌ها تمایل دارند چین را عمدتاً کشوری نشان دهند که از درگیری با ایالات متحده اجتناب می‌کند و تصویری از آن ترسیم می‌کنند که با دیدگاه تنگ‌نظرانه‌شان انطباق داشته باشد. اما، چنین دیدگاه تقلیل‌گرایانه‌ای نمی‌تواند ماهیت چند وجهی هویت و دست‌آوردهای چین را به تصویر بکشد.

چین دارای تاریخی هزاران ساله است و رویدادهای مهمی مانند انقلاب ضد امپریالیستی را از سر گذرانده است. این کشور به رهبری حزب کمونیست، با نزدیک به ۱۰۰ میلیون عضو اداره می‌شود که در برگیرنده بیش از ۵۰ جامعه قومی گوناگون است. فزون بر این، شرکت‌های دولتی ۴۰ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهند. این عوامل در مجموع چین را بسیار فراتر از یک ابرقدرت جهانی دیگر می‌سازد.

توصیف چین صرفاً به عنوان محصول نظم کنونی جهان، جنبه‌های منحصر به فرد توسعه آن را خدشه‌دار می‌سازد. این دیدگاه دست‌آوردهای چشمگیر و بی‌سابقه‌ای را که چین کسب کرده است، نادیده می‌گیرد و آن‌ها را صرفاً به گشایش اقتصادی آن نسبت می‌دهد. چنین روایتی اغلب مسیر دقیق و مشخصی را که به وضعیت فعلی چین منجر شده است، حذف می‌کند.

آنان انعطاف‌پذیری و عزم ملی جامعه چین برای محافظت از حاکمیت خود در برابر مداخلات امپریالیستی و همچنین تعهد راسخ خود را برای اولویت دادن به رفاه شهروندان عادی چین نادیده می‌گیرند. این روایت همچنین تمایل به ایجاد ابهام در این واقعیت دارد که پیشرفت‌های چین نتیجه قطعی تلاش‌های حساب شده، سنجیده و ستراتیژیک آن است. در عوض، آن‌ها را صرفاً بر حسب شانس یا اتفاق ترسیم می‌کنند.

چنین چشم‌انداز تحریف شده‌ای، دشواری‌ها و دست‌آوردهای اساسی راه چینی را نادیده می‌گیرد. با نادیده گرفتن دلایل اساسی دگرگونی‌های چین و ویژگی‌های منحصر به فردی که آن‌را ممتاز می‌کند، ماهیت واقعی آنچه موجب صعود و ارتقای چشمگیر و مؤثر جایگاه آن شده است، مغفول می‌ماند.

این روایت محدود، ساختار اقتصادی گسترده و پیچیده چین را به مدلی ساده‌گرایانه تقلیل می‌دهد که در آن سرمایه به تنهایی تعیین‌کننده معیشت مردم است، و نقش مهم دولت‌ها را در پرورش قابلیت‌ها و تقویت بسترهای رشد و اداره کل سیستم، نادیده می‌گیرد. این روایت معیوب از نظام چین به طور مؤثری باعث گسترش برداشت‌های نادرست در ایران می‌شود. با ارائه موفقیت‌های چین به عنوان ثمره مستقیم آزادسازی بازار، چنین تلقی می‌شود که نتایج مشابهی را می‌توان صرفاً با پیروی از همان مسیر در ایران به دست آورد، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی منحصر به فرد تاریخی که توسعه چین را شکل داده است و زمینه‌هایی که عمیقاً در ستراتیژی‌های ملی، سیاست‌ها و رویکردهای آن دخیل بوده است.

سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی هسته مرکزی مدل حکومتی چین را تشکیل می‌دهد. چین در حالی بازار خود را باز کرد که دائماً تحرکات را زیر نظر داشته، نتایج را بررسی کرده و اهداف را به شیوه‌های گوناگون تعدیل کرده است. این نشان دهنده دولتی کارآمد، با نفوذ قابل توجه بر اقتصاد است که قدرت ایجاد تغییرات و انطباق سیستم‌ها را به خاطر رفاه مردم دارد و نه صرفاً سود. برای درک رویکرد چین، توجه به این جنبه ضروری است.

در نتیجه وقتی ایرانی‌ها نتایج چشمگیری از ادغام چین در اقتصاد جهانی را مشاهده می‌کنند، با پیروی از ستراتیژی مشابه دچار گمراهی شده، انتظار دارند به نتایج مشابهی دست یابند. اما، آنان عوامل ظریف پشت موفقیت چین، یعنی ستراتیژی حکمرانی با ویژگی‌های چینی را که در هسته اصلی آن رفاه مردم عادی قرار دارد، منکر می‌شوند.

آسیب ناشی از کارزار انتشار اطلاعات نادرست در مورد رویکرد چین و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام):

صرف‌نظر از مشکلی که این روایت نادرست به وجود می‌آورد، خود چنین رویکردی اشتباه است، زیرا همان نگرش نسبت به ایران را شامل می‌شود - کپی‌برداری از نمونه‌های موفق و کم‌بها دادن به ویژگی‌های منحصر به آن جامعه است که پاسخ منحصر به فرد را می‌طلبد.

نتیجه چنین روایتی، جا انداختن این ایده است که چین یک دولت بی‌ارزش است که فقط از نظم فعلی پیروی می‌کند و از سوی سازمان‌های امپریالیستی و شیوه‌های ظالمانه آن‌ها تقویت می‌شود. بهترین تفسیر از این روایت آنست که چین از نظم کنونی هراس دارد و تمایلی به ایجاد تغییراتی که اساساً با واقعیت چین در تضاد است، ندارد.

تضاد بین مسیری که چین، به ویژه پس از ریاست جمهوری شی جین‌پینگ، در پیش گرفته است و راهی که اصلاح‌طلبان (ایرانی) ظاهراً سعی در عملی کردن آن دارند، واضح است. با توجه به ابتکار پروژه عظیم کمربند و جاده و همکاری در درون کشورهای بریکس، نمی‌توان چین را بازیگری مطیع تلقی کرد. تلاش‌های قابل توجهی، از جمله می‌توان از تلاش اخیر در اجلاس جی ۲۰ در سال گذشته، درست قبل از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ از سوی امریکا

برای مقابله با طرح کمربند و جاده، کریدور اقتصادی هند-غرب آسیا-اروپا (IMEC)، که در اجلاس جی ۲۰ دهلی اعلام شد، نام برد.

اگر چین تنها یک کشور دنباله‌رو است، چرا آمریکا خود را نیازمند ارائه چنین ضد-پروژه عظیمی می‌بیند؟ افزون بر این، اگر چین کشور مطیعی تلقی می‌شود، چرا از ارزش‌های مختلف در روابط خود با دیگر شرکاء برای تسهیل قطبی‌زدائی و دمکراتیزه کردن نظم جهانی استفاده می‌کند؟ اگر چین از نظم جهانی تک‌قطبی هراس دارد، چرا بریکس مبتکر ایجاد ارز خود است؟

نشان دادن چین به عنوان کشوری که مطابق روال نظم جاری حرکت می‌کند، بیانگر عدم درک رویکرد چند جانبه‌گرایی است که چین فعالانه از آن حمایت می‌کند. بی‌اعتنائی به پذیرش مواضع چند جانبه‌گرایی چین برای جامعه جنوب جهانی بسیار مضر است. برای کشورهای جنوب جهانی ضروری است که مفهوم جامعه جهانی چندقطبی را بر اساس منافع ملی خود تفسیر کنند. این مفهوم پیچیده می‌طلبد که هر کشوری جایگاه خود را بیابد و معنای چند قطبی را تعریف کند - یک سیستم دمکراتیک جهانی مبتنی بر برابری و احترام، نه بر اساس سلطه و برتری یک‌جانبه ایالات متحده.

چین و ایران در تلاش برای به زیر سؤال بردن نظم جهانی تک‌قطبی همکاری چشمگیری داشته‌اند. ایران نه تنها از نظم جهانی چندقطبی بهره‌مند می‌شود، بلکه آن را فعالانه ترویج می‌کند. ایران اقدامات پیشگیرانه‌ای را برای مقاومت در برابر هژمونی آمریکا، به ویژه در غرب آسیا، از طریق ابزارهای نظامی و با ایجاد یک سیستم اقتصادی که قادر به مقاومت در برابر تحریم‌های آمریکا باشد، انجام داده است. ایران در داخل و در تلاش برای تعمیق روابط با سایر کشورها، به رغم فشارها و تحریم‌ها، به دنبال کاهش و دور زدن مسیرهای تحریم‌های آمریکا و شناسائی مسیرهای جدید توسعه است.

نادیده گرفتن این واقعیت که چین مدافع سرسخت جهان چندقطبی مبتنی بر احترام و برابری است، نه دستوراتی که از سوی آمریکا هدایت می‌شود، به ویژه برای ایران تعیین کننده خواهد بود. برای بهره‌گیری از چین، درک ویژگی‌های چند جانبه و چند وجهی آن ضروری است. ایران با درک این موضوع که چین فعالانه به دنبال جایگزینی عملی و در عین حال احترام به ارزش‌های خود است، می‌تواند منافع بیشتری کسب کند. ایران نه تنها می‌تواند قابل اعتمادترین کشور از لحاظ تأمین امنیت انرژی در غرب آسیا برای چین باشد، بلکه چین نیز می‌تواند برای ایران قابل اعتمادتر بشود.

یکی از نمونه‌های قابل توجه رویکرد چین، اقدامات آن در رابطه با عملیات بحیره سرخ است. انصارالله در یمن باعث ایجاد اختلال در تجارت بحری جهانی شده است. بر همگان آشکار است که چین کشوری است که بشدت به بازار جهانی وابسته است و از این وضع آسیب دیده است. با این وجود، خلاف روایت نولیبرال‌های ایران، چین به جریان ائتلاف نیپوست، و فشاری بر ایران یا نیروهای مقاومت نیاورد. چین مجبور نبود از مقاومت مسلحانه فلسطین دفاع کند، اما این کار را کرد. این نشان می‌دهد که چین رویکرد منحصر به فرد خود را به حکمرانی و مواضع بین‌المللی دارد. این جنبه از همکاری چین با ایران در حال شکوفا شدن است. این حس مقاومت و سرکشی، البته با درجات مختلف شدت و بیان، بین این دو کشور مشترک است. مشکل در مهار این ارزش‌های مشترک و تبدیل آن‌ها به منافع ملموس برای مردم عادی ایران نهفته است. درک پیچیدگی‌ها و ادغام آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری هنگام تعیین سیاست‌ها و رویکردهای ملی ضروری است.

طرفداران روحانی قرارداد برجام را برای روابط ایران با چین امری ضروری می‌دانند و این تصور غلط را در افکار عمومی به وجود می‌آورند که چین تنها در صورتی با ایران تعامل خواهد کرد که با خواسته‌های امریکا مطابقت داشته باشد و با منافع کشورهای غربی همسو شود. این روایت منعکس‌کننده درک نظم جهانی تک‌قطبی است که در آن تعمیق روابط ایران با چین به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود. در نگاه جهانی آن‌ها، اهمیت روابط تجاری قابل توجه با کشورهای همسایه که به ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسد، اغلب نادیده گرفته می‌شود. طرفداران برجام، به هر موضوعی از دریچه رژیم تحریم برخورد می‌کنند و راه‌های حل خود را به این قید و بندها محدود می‌کنند. این دیدگاه محدود از درک ناقص آن‌ها از چین و بی‌میلی آن‌ها برای به روز ماندن در مورد ژئوپلیتیک بین‌المللی ناشی می‌شود. در نتیجه، آن‌ها نمی‌توانند پی‌آمدهای گسترده‌تر مبارزات و شرایط جهانی کنونی را درک کنند.

هنوز روشن نیست که آیا ظریف و روحانی، که از کارزار انتخاباتی پزشک‌پز حمایت می‌کنند، نسبت به اقداماتشان در دولت (جدید) خود مسؤولیتی به عهده خواهند گرفت یا خیر. وقتی صحبت از تحولات مثبتی مانند توافق ۲۵ ساله با چین پیش می‌آید، آن‌ها تمایل دارند از آن اعتبار کسب کنند، حتی اگر اقدام‌کننده اصلی در امضای قرارداد لاریجانی باشد. لاریجانی بخشی از دولت نبود، اما به دلیل درخواست دولت چین به عنوان مذاکره‌کننده خارج از دولت منصوب شد تا از اعتبار معاملات با وجود تغییرات در ریاست جمهوری اطمینان حاصل کند. کمال خرازی، رئیس شورای ستراتیژیک روابط خارجی ایران، تأکید کرد که به دلیل تغییرات مکرر در دولت‌های ایران، چین نماینده‌ای فراتر از دولت فعلی درخواست می‌کند، که منجر به انتصاب لاریجانی برای این مأموریت می‌شود.

هدف این برنامه ستراتیژیک تضمین تداوم توافقات بین دولت‌ها و محافظت از توافق در برابر تأثیرات تغییر ریاست جمهوری است. پس از دوره ماه عسل اولیه پس از مذاکرات برجام که طی آن افکار عمومی و سیاست‌گذاران را گمراه کردند، ظریف و روحانی از توافق فاصله گرفتند. با گذشت زمان و آشکار شدن پی‌آمدهای واقعی، آن‌ها تقصیر را به گردن سیاست‌های کلی جمهوری انداختند و خود را مجریان صرف و قربانیان تصمیمات گسترده‌تر نشان دادند. چرا شش سال طول کشید تا دولت روحانی توافق‌نامه ۲۵ ساله را پس از انتشار بیانیۀ امضاء شده بین شی جین‌پینگ و روحانی، نهائی کند؟ نمونه‌های مفتضح آن شامل تأخیر چند ماهه تعیین سفیر، امتناع از واردات واکسن کووید از چین به بهانه پایبندی به اف ای تی اف (FATF)، و پائین‌ترین نرخ فروش نفت به چین می‌شود، که همگی بخشی از کارنامه دولت روحانی در رابطه با چین است.

دوران رئیسی و چین

سه سال دولت رئیسی نشان داد که تعمیق روابط با چین به برجام وابسته نیست و حتی در صورت مواجهه با بالاترین کارزار فشار از سوی امریکا کاملاً قابل اجراست. دگرگونی‌های نظم جهانی در مناسبات بین‌المللی ایران گنجانده شده است و دولت جمهوری اسلامی ایران در درک این پدیده مهم سرآمد بوده است.

درک تعامل چین با جهان نه تنها مهم است، بلکه همچنین برای به‌روز ماندن در مورد تغییرات سریعی که در سطح جهان رخ می‌دهند، به ویژه پس از طوفان الاقصی و جنگ اوکراین، بسیار ضروری است. درک این واقعیت جدید که از سوی مثلث ستراتیژیک چین، ایران و روسیه شکل گرفته است، ضروری است.

ایران بازیگری حیاتی و فعال در تغییر نظم جهانی است و این باید ابتداء از سوی طرفداران روحانی در داخل مورد تصدیق قرار گیرد. از قضا، آن‌ها آخرین کسانی هستند که به این واقعیت پذیرفته شده متعهد هستند. افول هژمونی

امپراتوری و واحد پول آن، دالر، در حال وقوع است و به تعویق انداختن تحقق این واقعیت نشانه ایمان به غرب و مرعوب شدن در مقابل هژمونی آن است. دولت رئیسی آنچه را که جلیلی در حین و پس از توافق هسته‌ای از آن حمایت می‌کرد، تحقق بخشید. جایگاه حاکمیت در هسته مرکزی آن، همراه با سیاست «نگاه به شرق» منجر به رشد ۶ درصدی اقتصاد، عضویت در سازمان همکاری بریکس و شانگهای و آغاز پروژه‌های زیربنایی مورد انتظار شد.

ایران به جای این‌که برجام را هسته اصلی و نقطه شروع شرایط شکننده‌ای قرار دهد که پس از روی کار آمدن ترمپ به طور کامل شکسته شد، باید منافع ملی خود را در اولویت قرار می‌داد و به ویژه با دور زدن تحریم‌هایی که وجود داشت، در تلاش برای یافتن جایگزین‌هایی در کل جهان عمل می‌کرد و این منجر به تغییرات مثبت قابل توجهی برای اقتصاد و دیپلماسی ایران شد. این امر شامل تمرکز بر منطقه و قابلیت‌های آن و تمرکز بر پویایی جنوب جهانی به عنوان راه پیش روی ایران است.

در این مفهوم، جلیلی و تیم وی رویکرد مشابهی دارند و از تعمیق روابط با کشورهای همسایه حمایت می‌کنند و فرصت‌های بالقوه‌ای را شناسایی می‌کنند که مدت‌ها نادیده گرفته شده و انکار شده اند. درک این واقعیت که چین مرعوب اف ای تی اف نیست و به ساختار جهانی تک‌قطبی امریکا متکی نیست، چیزی است که جلیلی سال‌ها از آن حمایت می‌کند. در دوران رئیسی بود که این دیگه محقق شد. آن‌ها به جای تقویت و فشار بر محدودیت‌های تحمیل شده از سوی اف ای تی اف، متوجه می‌شوند که حقایق ملموس در مورد ماهیت و نیت واقعی چین، پتانسیل‌هایی را کشف کرده و جایگزین‌هایی را شناسایی کرده اند.



Iran's President Raisi Joined BRICS, Called to Drop US Dollar, Pushed for Multipolar World

By Ben Norton – May 21, 2024 Raisi represented a more nationalist wing of the ...
Continue reading

 Orinoco Tribune - News and opinion pieces about Venezuela and beyond 

پس از طوفان الاقصی: الزامات ستراتیژیک برای ایران و جنوب جهانی

به دنبال عملیات طوفان الاقصی و وعده صادق، وضعیت در منطقه بیش از پیش روشن شده است. اکنون بیش از هر زمانی جنوب جهانی فرصتی برای مقابله ستراتیژیک با شمال جهانی دارد. نسل‌کشی در غزه و رویکرد جدید چین به ویژه پس از عملیات (ویژه) در اوکراین بر این لحظه تأکید می‌ورزد. آنچه در غزه اتفاق می‌افتد آینده غرب آسیا را مشخص می‌کند و سهم ایران در آزادی فلسطین نه تنها برای فلسطین، بلکه برای منطقه حیاتی است.

در حالی که رهبران ایران ستراتیژی مقاومت منطقه‌ی را تعیین می‌کنند، سیاست‌های دولت‌ها نیز نقش بسزایی دارند. برای مثال، دولت روحانی تمام تلاش خود را کرد تا ایران را از نقش خود به عنوان رهبر محور مقاومت دور سازد. همان‌طور که جلیلی در مناظره ریاست جمهوری گفت: «ما سلیمانی را به دلیل رویکردهای دولت روحانی در قبال منافع و امنیت ملی ایران از دست دادیم.»

با توجه به نظم جهانی در حال تغییر، ایران باید خود را با رویکردی مشابه رئیسی برای شناسایی فرصت‌های جدید با استفاده از فرصت‌های پنهان و گسترش فراتر از برجام برای پذیرفتن دنیای چند قطبی نظیر بریکس، تطبیق دهد. تقویت روابط با روسیه و چین و اطمینان از شنیدن ابتکارات ایران از سوی آن‌ها بسیار مهم است

رابطه‌ای محترمانه و چند جانبه‌گرا باید دیپلماسی ایران را هدایت کند

از نظر منطقه‌ی، ایران به طور موفقیت‌آمیزی صلح را در غرب آسیا به ارمغان آورده و آرمان فلسطین را به عنوان یک اولویت جهانی مطرح کرده است. تنها تشنجی که باید حفظ و افزایش یابد، علیه رژیم صهیونیستی و حضور امریکاست؛ بقیه کشورها باید بر صلح و توسعه در منطقه تمرکز کنند. دولت آینده باید فعالانه به سمت رویکرد کارآمدتر چند قطبی در سیاست خارجی ایران کار کند و سایر کشورها را برای مقاومت در برابر دشمنی امپریالیستی توانمند کند. همکاری خستگی‌ناپذیر با چین، به ویژه در تبدیل **ابتکار کمربند و جاده** به عنوان سنگ بنای ستراتیژی ایران، حیاتی است. طرح کمربند و جاده نشان دهنده ملموس‌ترین راه تجارت با چین و بزرگترین پروژه زیرساختی است که ایران نه تنها به صورت دوجانبه، بلکه از طریق شبکه‌سازی با همه کشورهای این مسیر باید نقش مهمی در آن ایفاء کند.

در این تند پیچ حساس، با توجه به وضعیت غزه، ایران باید از همه فرصت‌های ممکن برای پیشبرد رویکرد انقلابی خود استفاده کند، که از سال ۱۹۷۹ با هدف رهائی مردم ستمدیده غرب آسیا از نفوذ امریکا، آغاز شده است. دولت آینده باید سیاست نگاه به شرق را ادامه دهد و درک کند که ایران نمی‌تواند آینده خود را به تحریم‌های امریکا گره بزند. در مقابل آنچه امریکائی‌ها برای جنوب جهانی می‌خواهند، حفاظت از استقلال و کرامت نه تنها ایران، بلکه غرب آسیا و جنوب جهانی، در دست ماست.

سیاست «نگاه به شرق»، یک جایگزین بسیار ضرور برای غرب آسیا در رویکرد آن به نظم جهانی است.

منتشره در تارنگاشت عدالت

برگرفته از: اورینوکو

منتشر شده در تاریخ: ۲۶ جون ۲۰۲۴